
مبارزه با روش‌های دیگر

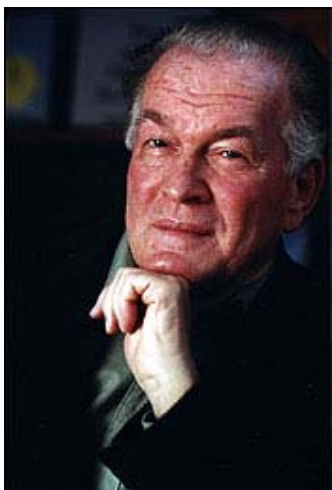
مصاحبه‌ای با دکتر جین شارپ توسط لورا اسکور^۱

ترجمه‌ی آلیوس
وبلاگ گروهی فانوس
<http://lanternblog.com/>

^۱ Laura Secor

جین شارب آموخت چگونه مبارزات بدون خشونت را بصورت اسلحه در آورد و با این کار به تغییر دنیا کمک بزرگی کرد

مقدمه‌ای از مترجم درباره دکتر جین شارب (Gene Sharp):



دکتر جین شارب که بعضی او را "کلاوزویتس مبارزات بی‌خشونت" (the Clausewitz of nonviolent warfare)^۲ می‌خوانند، در سال ۱۹۸۳ انستیتو آلبرت اینشتاین^۳ را با هدف گسترش تحقیق، مطالعه و آموزش در زمینه استراتژی‌های بی‌خشونت در مقابله با دیکتاتورها، نسل‌کشی و جنگ بنا گذاشت. جین شارب دکترای فلسفه را از دانشگاه آکسفورد (۱۹۶۸) گرفت و پس از آن ده سال در انگلستان و نروژ به مطالعات گسترده در زمینه "بی‌خشونت" (nonviolence) پرداخت.

آثار شارب اثر قابل ملاحظه‌ای در روش‌های مبارزه در نقاط مختلف دنیا داشته، از نمونه‌های اخیر آن می‌توان مبارزات جوانان در کشورهای کمونیست سابق در شرق اروپا نام برد که در بسیاری از آن‌ها کتابچه شارب با عنوان از دیکتاتوری تا دموکراسی^۴ به‌صورت پایه‌ای برای این مبارزات به‌کار رفته است.

برخی از آثار شارب: سیاست مبارزه بدون خشونت^۵ (۱۹۷۳)، گاندی به‌عنوان یک استراتژیست سیاسی^۶ (۱۹۷۹)، قدرت اجتماعی و آزادی سیاسی^۷ (۱۹۸۰)، دفاع مبتنی بر افراد غیر نظامی^۸ (۱۹۹۰)، از دیکتاتوری تا دموکراسی و بسیاری دیگر. آخرین اثر شارب با عنوان "کاربرد کنش بی‌خشونت: تمرین قرن بیستم و پتانسیل آن در قرن بیست و یک"^۹ در ماه ژوئن ۲۰۰۵ منتشر شد. این کتاب کارهای قدیمی شارب را در بر می‌گیرد با مثال‌هایی که این روش‌ها در آن‌ها عملاً به کار برده شده‌اند و همین‌طور درس‌هایی که از آن‌ها می‌توان آموخت.

آنچه در ادامه خواهید خواند ترجمه‌ی مصاحبه‌ایست تلفنی که در تاریخ ۲۹ می ۲۰۰۵ با جین شارب بوسیله لورا سکور انجام شده، از نکات جالب در این مصاحبه بحث‌هایی است که درباره ایران می‌شود.

مقدمه‌ی لورا سکور:

اتفاق‌های عجیبی از سال ۲۰۰۰ در کشورهای کمونیست سابق شروع شد؛ دولت‌های منفور و سرکوب‌گر در مقابل حرکات جمعی بی‌خشونت عقب‌نشینی کردند. این حرکات ابتدا در صربستان، سپس گرجستان، اوکراین و قزاقستان شکل گرفت. به

^۲ کلاوزویتس (Carl Philipp Gottfried von Clausewitz)؛ ژنرال ارتش پروسیا بود که عقاید او تاثیر فراوانی در اندیشه نظامی گذاشت.

^۳ <http://www.aeinstein.org/>

^۴ From Dictatorship to Democracy

^۵ The Politics of Nonviolent action

^۶ Gandhi as a Political Strategist

^۷ Social Power and Political Freedom

^۸ Civilian-Based Defense

^۹ Waging Nonviolent Struggle: 20th Century Practice and 21st Century Potential

نظر می‌آمد که ویروسی در حال گسترش است ویروسی که مردم تحت سواستفاده و فشار را به قدرت خویش آگاه می‌کند، قدرتی که در نهایت حکومت‌های سرکوب‌گر را وادار به تغییرات غیر قابل باور می‌کند.

ولی این تغییرات حاصل ویروس نبود، بین بقیه عواملی که باعث این تغییرات شد، کتابچه‌ای بود که توسط دانش‌پژوهی در بوستون با نام جین شارپ نگاشته شد و ترجمه آن در تمام این انقلاب‌های دموکرات بی‌خسونت بین مردم وجود داشت. کتابچه‌ی شارپ با نام "از دیکتاتوری تا دموکراسی" تئوری قدرت را به شکلی که بیانگر مکانیسم‌های دیکتاتوری‌ها و نقاط ضعف آن‌ها است شرح می‌دهد و همچنین زیرو بم‌های مقاومت بدون خسونت را نیز به اختصار توضیح می‌دهد: چه روش‌هایی را برای نقب زدن و تحلیل بردن منابع قدرت رژیم‌های دیکتاتوری می‌توان استفاده کرد؛ چگونه در مقابل واکنش‌های خسونت‌آمیز مقاومت کرد و تحمل کرد، اهمیت ورود به چنین مبارزه‌ای با استراتژی‌های مشابه در ارتش برای ورود به جنگ به کار می‌رود. تاکتیک‌های ذکر شده شامل: تظاهرات و پوسترها؛ اعتصاب و بست نشستن و بایکوت کردن. بعضی از این روش‌ها برای گیج کردن جامعه و قانع کردن حاکمان به اینکه بدون پرداختن به موضوع مورد نظر نمی‌توانند حکومت کنند (یا اینکه اصلاً نمی‌توانند حکومت کنند) به کار می‌رود!

شارپ اکنون در اواخر ۷۰ سالگی خود رفتار بسیار ملایم و فروتنی دارد. از ۵۰ سال پیش که این کار را شروع کرد؛ عملاً آغازگر مطالعات کنش‌های بی‌خسونت بوده. در ۱۹۸۳ او ۲ برنامه بر اساس همین موضوع در هاروارد و موسسه آلبرت انشتین تاسیس کرد که به گفته او "نه بر پایه صلح‌طلبی (پاسیفیسم)، نه بر اساس ایده‌های مهاتمای بلکه بر اساس "برهمکنش عمل‌گرای بی‌خسونت"¹⁰ است." کتاب‌های او - سیزده کتاب - تقریباً مثل کتاب‌های آموزشی نوشته‌شده‌اند، با زبان ساده و نگارشی که در اکثر فرهنگ‌ها قابل فهم است.

با اینکه کار شارپ امروزه به اوج اثر خود رسیده‌است؛ موسسه آلبرت انشتین که مطالب آموزشی منتشر می‌کند و کارگاه‌های آموزشی در خارج برای فعالان سیاسی برگزار می‌کند؛ و کار هماهنگی ترجمه‌های "از دیکتاتوری تا دموکراسی" را بر عهده دارد؛ بودجه‌ای برای ادامه کار ندارد و شاید در سپتامبر مجبور به بستن درهایش شود. در حال حاضر کارمندان آن از چهار نفر به ۲ نفر که شامل خود شارپ است کاهش یافته‌است!

سوال: چگونه به این موضوع رسیدید؟

شارپ: من در اواخر دهه چهل و اوایل دهه پنجاه میلادی وارد این بحث شدم. جنگ جهانی تازه تمام شده بود و قتل عام و آدم‌سوزی (هولوکاست) از اخبار جدید بود؛ استالین هنوز در روسیه بر قدرت بود و سیاست استعماری اروپایی‌ها و تبعیض نژادی در آمریکا، و خطر جنگ اتمی وجود داشت. می‌بایست راه بهتری پیدا کرد. من شروع به مطالعه در زمینه مقاومت بی‌خسونت کردم. منابع موجود ناچیز بود، ولی با مطالعه هر چه بیشتر در این زمینه دریافتم که بستر خوبی برای کار است و اینکه ما چقدر اندک در این زمینه می‌دانیم. کم‌کم با مطالعه‌ای عمیق بر گاندی نه بعنوان یک مهاتما بلکه بعنوان یک استراتژیست سیاسی وارد این موضوع شدم و علاقه‌ام روز به روز برای دانستن علت‌های توفیق یا شکست این روش و تمهیداتی که با آن‌ها می‌توان آنرا موثرتر کرد بیشتر شد. پس از آن مدتی در نروژ زندگی کردم و آنجا با افرادی که در مقاومت مردمی در زمان اشغال نازی شرکت داشتند ملاقات کردم. یکی از بزرگترین نکاتی که در این زمان آموختم این بود که موضع صلح‌طلبان (پاسیفیست‌ها) که فقط خسونت را محکوم می‌کنند کاری از پیش نخواهد برد! در صورت عدم وجود یک جایگزین واقع‌بینانه مردم یا بصورت منفعل تسلیم می‌شوند یا به تنها راهی که به نظرشان باقی‌مانده که همان جنگ و خسونت است، پناه خواهند برد.

سوال: چه عقایدی با ما مشاهده تاریخ تغییر دادید؟

¹⁰ Pragmatic nonviolent struggle

شارپ: در مرحله‌ای بر این باور بودم که اعتقادات مذهبی - اخلاقی و دانستن تکنیک هر دو لازم هستند؛ ولی بعد دریافتم که به هیچ وجه چنین نیازی وجود ندارد! تنها یک مشی سیاسی؛ یک مشی عمل‌گرا کافی است؛ و در عمل در بسیاری از وقایع تاریخی همین اتفاق رخ داده‌است.

سوال: در کجا تئوری‌هایتان را در عمل دیدید؟

شارپ: خیلی از این تئوری‌ها را خود ما بصورت راه‌های ساده وقتی دانشجوی بودیم انجام می‌دادیم؛ مثلا بست نشستن در سالن نهار در کلمبوس اهیو. من در استونیا؛ لاتویا و لیتوانیا وقتی که دولت‌های جدایی‌طلب آنها سعی در جدایی از اتحاد جماهیر شوروی داشتند حضور داشتم و با دولتمردان هر سه کشور دیدار کردم، در هر سه مورد این دولتمردان از کتابی از من با اسم "دفاع مبتنی بر شهروندان" ۱۱ بعنوان مرجع استفاده کرده بودند. در میدان تیانمن نیز به همراه یک دوست حضور داشتم.

سوال: به نظرتان چه مشکلی در تیان من وجود داشت؟

شارپ: مشکل این بود که هیچ برنامه و استراتژی وجود نداشت. کم و بیش حرکت بصورت حادثه‌ای اتفاق افتاد و بعد پشتیبانی زیادی پیدا کرد! مردم به سرعت وارد صحنه شدند ولی وقتی مردم عادی وارد صحنه شدند هسته اصلی و رهبری حرکت تقریباً از جمع خارج شده بودند. حتی بعد از تصمیم رهبران حرکت بر تخلیه میدان، مردم عادی تصمیم گرفتند بمانند چون هیچ‌گاه در گذشته فرصت اعتراض نداشتند ولی در عین حال هیچ برنامه‌ای نیز برای اعتراض نداشتند. در عین حال آن‌ها واقف به اهمیت جلب حمایت از داخل سیستم نبودند. از گوشه و کنار شنیده شد که کارمندان غیر نظامی دولت از پنجره برای افرادی که مقاومت می‌کردند پول می‌ریختند؛ ولی همین کارمندان اعتصاب نکردند. حتی گزارش‌هایی هم وجود داشت که بعضی از سربازان از شلیک به سمت تظاهرکنندگان سر باز می‌زدند. اگر چنین اتفاقات و نافرمانی‌های مدنی در سطح وسیع‌تر افتاده بود، موفقیت حرکت دور از دسترس نبود. آن شب آنجا بودم، تازه شام خورده بودیم و داشتیم به سمت هتل در آن سوی میدان تیان من می‌رفتیم که تانک‌ها و نیروها وارد میدان شدند. در ابتدا قصد داشتیم که در گوشه‌ای مخفی شویم تا ببینیم چه اتفاقی می‌افتد، ولی گروهی از مردم محلی چینی ما را به سرعت از آنجا خارج کردند. فکر کنم همین باعث زنده ماندن ما شد. تعداد زیادی در آن شب کشته شدند، واقعا خیلی فاجعه بدی بود.

سوال: چگونه "از دیکتاتوری تا دموکراسی" به وجود آمد؟

شارپ: این کتابچه در ابتدا در سال ۱۹۸۳ به درخواست یک دموکرات تبعیدی اهل برمه که در بانکوک زندگی می‌کرد و یک خبرنگار تبعید را ویراستاری می‌کرد نوشته شد. بعضی از مطالعات گذشته‌ام مثل نقاط ضعف دیکتاتوری‌ها و دستمایه قدرت محور این کتابچه شد. کتابچه فقط به زبان برومه‌ای نوشته شد؛ ولی با وجود اینکه من بطور غیر قانونی چند بار در برومه حضور پیدا کرده بودم، ولی چیز زیادی درباره برومه نمی‌دانستم. وقتی راجع به کشوری که زیاد راجع به آن نمی‌دانید می‌نویسید باید برآستی مراقب باشید؛ چون ممکن است همه چیز را خراب کنید!

سوال: این کتابچه به روسی، فارسی، چینی، عربی و بسیاری از زبان‌های دیگر ترجمه شده؛ آیا شما این ترجمه‌ها را سازمان داده‌اید؟

شارپ: بیشتر آن‌ها حاصل درخواست‌هایی از فعالان درون این کشورها بوده‌اند. البته ترجمه چنین مباحثی گاهی می‌تواند خطرناک باشد، که باید به آن توجه کرد. ممکن است مترجمان دقیقاً متوجه پدیده مورد بحث نشوند، واژه معادل در زبان خودشان را ندادند شاید چون آن واژه خاص در زبان آن‌ها اصلاً وجود ندارد!

سوال: نظر شما در مورد پتانسیل استفاده از این روش مبارزه [بی‌خشونت] بعنوان یک سیاست خارجی دولت آمریکا چیست؟

شارپ: این کار بسیار خطرناک است. کاری که از دست دولت بر می‌آید تامین بودجه است که متأسفانه این کار را نمی‌کند.

¹¹ Civilian-Based Defense

سوال: رییس انستیتو آلبرت اینشتین، رابرت هیلوی (Robert Helvey)، کارگاهی در بوداپست برای دانش‌آموزان صرب قبل از خلع قدرت اسلوبودان میلوشویچ برگزار کرد. چه مکان‌های دیگری چنین کارگاه‌هایی برگزار کرده‌اید؟

شارپ: سه سال پیش یکی از همین کارگاه‌ها برای فعالان روسیه سفید برگزار کردم که البته مجبور به برگزاری آن در ویلنوس در لیتوانی شدم. دوره‌های کوتاهی برای تبعیدی‌های کوبایی در میامی داشتیم و همینطور برای ونزوئلایی‌ها و فعالان زیمبابوه نیز چنین دوره‌هایی برگزار کرده‌ایم.

سوال: در کتاب شما فصلی به اسم جوچیتسوی سیاسی وجود دارد؛ که در آن خشونت‌ی که رژیم علیه حرکات بی‌خشونت استفاده کرده، با حرکتی سیاسی به سمت خود وی بازگشت داده می‌شود و باعث حمایت عمیق‌تر و بیشتر مردم می‌شود.

شارپ: وقتی من شروع به مطالعه در این زمینه کردم، به این فکر کردم که: "خوب این ممکن است برای هندی‌ها مفید باشد، چون بیشتر آن‌ها هندو هستند و به تناسخ اعتقاد دارند؛ پس برایشان فرق نمی‌کند اگر کشته شوند." ولی با نگاهی به انقلاب ۱۹۰۵ روسیه می‌بینیم که وضعیت کاملاً مشابه است. جوچیتسوی سیاسی اگر مردم بترسند؛ ندانند که چه باید بکنند یا اگر متوجه نشوند که برای حفظ موضع خود باید کمی ریسک کنند موثر نخواهد بود. مبارزات چریکی تلفات بسیار زیادی برای مردم عادی به بار می‌آورد ولی چه‌گوارا مبارزه را بخاطر تلفات ترک نکرد. در آیین و قواعد جنگ چیز مشابهی موجود است، ولی در جنبش‌های "بی‌خشونت" اگر شما کشته شوید جنبش بی‌خشونت شکست خورده‌است. بعضی‌ها بدون اینکه درک کنند که چه کاری درست است به سمت استفاده از خشونت می‌روند.

سوال: البته تمام حرکات بدون خشونت لزوماً دموکراسی ایجاد نمی‌کنند. انقلاب ۱۹۷۹ ایران تا حدود زیادی بدون خشونت بود.

شارپ: کاملاً درست است، ولی آنها هیچ برنامه‌ی جایگزینی نداشتند. هر گروهی از مردم، عقیده متفاوتی برای اینکه چه حکومتی باید جایگزین شود داشت. در حال حاضر ما کتابچه‌ای در زمینه ضد کودتا داریم برای اینکه چگونه جلوی تصرف قدرت را بگیریم و از ضبط آن توسط گروهی جلوگیری کنیم. زمان بعد از یک مبارزه موفق بدون خشونت بسیار خطرناک و حیاتی است. کار ما اثر بسیار مهمی در ایران داشته؛ البته متأسفانه هنوز حرکتی کاملاً موفقیت‌آمیز نداشته‌است. "از دیکتاتوری تا دموکراسی" به فارسی در وبسایت ما موجود است و ترجمه آن کاملاً در داخل ایران انجام شده است. این کار خطرناکی است، ولی مردم به اندازه کافی شجاع بودند که این کار را انجام دهند؛ البته هنوز این کتابچه بصورت غیرقانونی در ایران توزیع و تکثیر می‌شود. دانش این موضوع در ایران وجود دارد و حتی در تاریخ گذشته ایران هم چنین حرکاتی وجود داشته مثل انقلاب مشروطه در سال ۱۹۰۶ و البته در انقلاب مردم علیه شاه که همین دلایل تاریخی امکان موفقیت این حرکات را در ایران بیشتر می‌کند.

سوال: آیا هیچ دیدگاه جدیدی بر پایه ازهم‌پاشیدن دولت‌ها با حرکات بی‌خشونت اخیر در ذهن شما بوجود آمده است؟

شارپ: فکر کنم اینکه این تکنیک بعنوان چیزی قابل یادگیری شناخته شده و اینکه دانش درباره آن می‌تواند به مشارکت گذاشته شود تا تلاش‌های بعدی در این زمینه موثرتر و کارآمدتر از قبل باشند و فکر کنم این دلیلی است که این کتابچه همچنان در حال گردش و گسترش است.

مراجع¹²:

- 1) Original article: War by Other means, By Laura Secor, May 29,2005
http://www.boston.com/news/globe/ideas/articles/2005/05/29/war_by_other_means
 - 2) Nonviolent resistance
http://en.wikipedia.org/wiki/Non-violent_resistance
 - 3) Gene Sharp
<http://www.peace.ca/genesharp.htm>
 - 4) Carl von Clausewitz
<http://en.wikipedia.org/wiki/Clausewitz>
- (5) ترجمه فارسی از دیکتاتوری تا دموکراسی؛ نوشته جین شارپ. ترجمه‌ای از جادی (انجمن بدون مرز).
http://lanternblog.com/library/Nonviolence/Books/FromDictatorshipToDemocracy_farsi_ver1_2.pdf

¹²برای مراجع بیشتر می‌توانید به کتابخانه بی‌خشونت‌ی فانوس در این آدرس مراجعه کنید:
<http://lanternblog.com/library/Nonviolence>
برای اطلاعات بیشتر با این ایمیل تماس بگیرید:
editor@fanusian.com